

چرایی توقف قانون عفاف و حجاب در گفت‌وگوی «ایران» با کامبیز نوروزی

جامعه ایرانی مدافع حجاب، مخالف مداخله کیفری



با آغاز مجلس دوازدهم و به‌ویژه پس از مشخص شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم پیگیری رفع ابهامات و اشکالات لایحه عفاف و حجاب روی دور تند قرار گرفت و نتیجه شد قانونی که برای اجرا شدن با انتقادات متعدد و نگرانی جدی از تبعات اجتماعی سیاسی همراه بود. شاید به همین دلایل ابلاغ آن تا به امروز متوقف مانده است.

توقفی که اعلام شده با تصمیم شورای عالی امنیت ملی انجام شده است. در گفت‌وگو با کامبیز نوروزی حقوقدان، به بررسی ابعاد مختلف مربوط به ماجرای این قانون و سرنوشتش پرداختیم.

«عفاف و حجاب» در ابتدا عنوان لایحه‌ای بود که در واکنش نسبت به تبعات اجتماعی ناشی از رویدادهای پاییز ۱۴۰۱ در قوه قضائیه تدوین شد و از مسیر دولت سیزدهم به مجلس تقدیم شد.

مجلس یازدهم بر اساس ملاحظات نه‌چندان مشخصی با ابتنا به اصل ۸۵ قانون اساسی تدوین آن را به کمیسیون حقوقی قضایی مجلس سپرد.

نتیجه قانونی شد با بیش از ۷۰ ماده که به دلیل طرح ابهامات متعدد از سوی شورای نگهبان و هیأت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب آن به عمر مجلس یازدهم نرسید.

و فقط مورد حمله قرار بگیرد. نمی‌شود مثل دروازه‌بانی باشد که خبردار ایستاده و مکرر توپ‌هایی که به سمتش شوت می‌شود، گل بشود.

دولت باید در این مورد ابتکار عمل به خرج بدهد. مفهوم وفاق نمی‌تواند شبیه یک عشق یک طرفه باشد. اشکالی ندارد. دولت لایحه الغا بدهد و اصلاً لایحه رأی هم نیاورد. حداقل حاصل این است جمعی که عهد وفاق می‌شکنند، مشخص می‌شوند.

بنابراین دولت باید لایحه‌ای دوفوریتی برای قانون حجاب و عفاف به مجلس تقدیم کند. حتی می‌شود در آن لایحه پیش‌بینی شود که دولت ظرف یک سال یک لایحه جایگزین مناسب ارائه کند.

آیا در این باره امکان تدوین لایحه اصلاحی که بتواند توأمان نظرات جامعه و نگرانی‌های حاکمیت را برطرف کند، متصور است؟

قوه قضائیه در ابتدای بحث‌هایی که برای تنظیم این لایحه بود، یک لایحه ۹ ماده‌ای ارائه کرد. آن لایحه ۹ ماده‌ای قابل دفاع بود و نگاه‌های کیفری نداشت. اما بعد در روند تقنین به متنی غیرحقوقی و غیراجتماعی تبدیل و تصویب شد. فعلاً مسأله این است که دولت دو پیشنهاد می‌تواند بدهد.

اول اینکه لایحه دوفوریتی تجدیدنظر این قانون را بدهد. دوم اینکه یک لایحه‌ای بدهد و اجرای این قانون را برای مدتی تعلیق کند تا مثلاً برای یک سال یا دو سال اجرای این قانون به تعلیق بیفتد. در آن صورت ممکن است که به قانونی جامعه‌پذیرتر فکر کرد.



واکنش به آن نوشته شد که انتقادات متعددی بر آن وارد بود.

قطع نظر از این بحث، شورای عالی امنیت ملی آیا می‌تواند از اجرای قانون جلوگیری کند یا نه؟ بدون شک این شورا با تحلیل سیاسی و اجتماعی و به دلیل بحران‌زا بودن این قانون مانع از اجرای آن شده است.

اما به هر حال مسأله این است که وضعیت معلق این قانون تا چه زمانی می‌تواند ادامه داشته باشد و چه چاره حقوقی قانونی برای این وضعیت وجود دارد؟

آقای پزشکیان می‌تواند لایحه‌ای به مجلس ارائه کند؛ یک ماده واحده برای تجدید نظر در قانون عفاف و حجاب. این حداقل کاری است که به مردم امید می‌دهد. زیرا نمی‌شود که دولت یک جا بایستد

بیش از ۶ ماه است که قانون «عفاف و حجاب» در آستانه ابلاغ متوقف مانده است. به باور شما چه مؤلفه‌های حقوقی اجتماعی سبب شد که شورای عالی امنیت ملی چنین تصمیمی درباره ابلاغ یک قانون بگیرد؟

مسأله این است که قانون‌گذاری به‌ویژه در حوزه فرهنگ عمومی باید با مراعات شرایط اجتماعی و نظام فرهنگی و اخلاقی مشروع مردم انجام شود. اگر در این حوزه قانونی به تصویب برسد که با نظام فرهنگ عمومی در تضاد باشد، این قانون یا توسط مردم اجرا نمی‌شود یا اجرای آن با تنش‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد و نهایتاً امر به شکست قانون می‌انجامد. ما نمونه‌های متعددی از این نوع قوانین داشته‌ایم. قانون مجازات برای نگهداری ویدئو یا قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات گیرنده شبکه‌های ماهواره‌ای.

مسأله پوشش هم یکی از مهم‌ترین بخش‌های مربوط به فرهنگ عمومی است. چنان‌که باید اذعان داشت که در ایران هیچ کس مخالف حجاب نیست.

اما بخش بزرگی از جمعیت مخالف مداخله نظام کیفری در امر حجاب هستند و این امر در نظرسنجی‌ها اثبات شده است. سال‌ها ما با مسأله‌ای به نام گشت ارشاد مواجه بودیم که تجربه‌های بسیار تلخی را برای جامعه ایران ایجاد کرد و موجب ناراضی‌های فراوان شد.

آنچه در سال ۱۴۰۱ و در واکنش به واقعه دردناک مرگ مهسا امینی شاهد بودیم، اتفاقی بود که باید بر رویکرد ما درباره نوع مواجهه با مسائل حوزه فرهنگ عمومی اثر می‌گذاشت. اما برای عده معدودی درس‌آموز نبود. کما اینکه قانونی در